

"بخش دوم"

ماتریالیسم تاریخی

اسلحه بی جانشین همه مبارزان انقلابی

امیر نیک آئین

فصل اول- کلیات

درس ۴۲- تعریف و اهمیت ماتریالیسم تاریخی

- ۱- قوانین، مقولات و مسئله اساسی این علم
- ۲- تعریف علم فلسفی ماتریالیسم تاریخی
- ۳- اهمیت علمی آموزش این علم
- ۴- تاریخچه ای از تدوین و تکامل این علم

برای بیان تعریفی از این علم ناگزیریم پیرامون چند مقوله اجتماعی که بعداً به تفصیل در فصول آینده فرا خواهیم گرفت، اجمالاً توضیحاتی بدهیم، زیرا که بدون استفاده از این مقولات نخواهیم توانست به تعریف جامعی از علم ماتریالیسم تاریخی دست یابیم.

(۱)

در جامعه یک رشته پدیده ها و روندهای مادی وجود دارد که مجموع آنها را "هستی اجتماعی" می نامیم. مقصود از پدیده مادی آنست که مستقل از خواست و اراده و شعور ما، به طور عینی وجود داشته باشد. یک رشته پدیده های معنوی نیز هست که مجموع آنها را "آگاهی اجتماعی" می نامیم. هستی اجتماعی عبارت است از حیات مادی جامعه و تمامی شرایط عینی زیست و رابطه انسان ها با طبیعت و از همه مهمتر فعالیت تولیدی انسان و بالاخره مناسبات اقتصادی بین خود انسان ها در جریان تولید. آگاهی اجتماعی عبارتست از حیات معنوی و روحی انسان ها، کلیه اندیشه ها و تئوری ها و جهان بینی ها که فعالیت انسانی را رهبری می کنند و همچنین کلیه نظریات و تصورات و روحیات. بین این دو مقوله اساسی اجتماعی بشری روابط و وابستگی های متقابل و مشخص وجود دارد که باید آنها را بشناسیم و به این رابطه پی ببریم تا نقش نیروهای محرکه تاریخ را درک کنیم.

مسئله اساسی- در مورد اجتماع این است که رابطه درست بین این دو مقوله را پیدا کنیم. بدون حل صحیح مسئله رابطه بین هستی اجتماعی و آگاهی اجتماعی، نمی توان اسلوب درست و علمی بررسی این یا آن پدیده اجتماعی را تدوین کرد، نمی توان چگونگی تحول این یا آن روند تاریخی را درک کرد، نمی توان راه تغییر انقلابی زندگی اجتماعی را پیدا کرد. وجوه مشخصه علم فلسفی ماتریالیسم تاریخی عبارت از آنست که:

اولاً- مانند یک علم واقعی مسئله اساسی را مطرح کرده و بدرستی به آن پاسخ می دهد. ثانیاً- مانند هر علم دیگری، ماتریالیسم تاریخی دارای مقولات مختص به خود است. اینها عام ترین مقولات مربوط به جامعه بشری است، نظیر هستی اجتماعی، آگاهی اجتماعی، شیوه تولید، پایه، روبنا، انقلاب، دولت... که جمیع آنها و هر یک از آنها ساختمان کلی حیات اجتماعی و جنبه هائی از آن را و پیدایش و تکامل مفاهیم مربوطه را منعکس می کند.

ثالثاً- ماتریالیسم تاریخی مانند هر علم دیگر دارای قوانین مختص به خود است. اینها عام ترین قوانین حرکت و تکامل جامعه هستند. برخی از این قوانین عام، در تمام مراحل تکامل جامعه عمل می کنند، نظیر قانون "نقش تعیین کننده هستی اجتماعی نسبت به آگاهی اجتماعی" و یا قانون "نقش قاطع شیوه تولید در تکامل جامعه" و غیره... برخی دیگر از این قوانین که بازهم قوانین عام هستند، دارای حیطه عمل محدودتری و مربوط به مراحل و دوران های ویژه خویش هستند مانند قانون "مبارزه طبقاتی- نیروی محرکه تکامل اجتماعی" یا قوانین عمومی گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم. تنها مجموع این قوانین و آن مقولات ماتریالیسم تاریخی، تابلوی واحد و موزون و جهانشمولی از تکامل اجتماعی را بدست می دهد. بنابر این ماتریالیسم تاریخی علاوه بر حل آن مسئله اساسی، همچون یک دانش فلسفی، باید به این قوانین و مقولات بپردازد و متدولوژی عمومی را نیز برای تمام علوم اجتماعی در اختیار ما بگذارد.

(۲)

تعریف علم ماتریالیسم تاریخی باید همه این مطالب و آن مسئله اساسی را در برگیرد و می توان آن را به این ترتیب بیان کرد:

ماتریالیسم تاریخی یک علم فلسفی درباره رابطه بین هستی اجتماعی و آگاهی اجتماعی، درباره عام ترین قوانین و قوای محرکه تکامل جامعه بشری و مقولات اساسی آن است؛ تئوری عام و اسلوب علمی شناخت جامعه و تغییر آن است.

از این تعریف می شود دانست که ماتریالیسم تاریخی جزء متشکله ای از فلسفه مارکسیستی لنینیستی و بخش جدائی ناپذیر آن است، علمی است که قوانین عام تکامل جامعه بشری و اشکال تحقق این قوانین را در عمل و طی فعالیت تاریخی انسان ها بررسی می کند. ماتریالیسم تاریخی پایه تئوریک و متدولوژیک برای جامعه شناسی و دیگر علوم اجتماعی است.

فلسفه اجتماعی مارکس، با تمام نظریات اجتماعی قبل از آن تفاوت اساسی دارد و در سیستم نظریات عمومی بشر در مورد اجتماع چنان جای ویژه ای دارد که باید گفت توسط مارکس و انگلس در این زمینه دانش بشری، یک انقلاب واقعی حاصل شده است.

در این زمینه فعال کافی است خاطر نشان سازیم که از یک سو فلسفه اجتماعی مارکسیسم به طور قاطع و پیگیر بهر گونه ایده آلیسم در برخورد با پدیده های اجتماعی پایان داد و در این زمینه نیز مسئله اساسی فلسفه را بطور علمی و به درستی حل کرد، شالوده درک مادی تاریخ را بدست داد، و از سوی دیگر در عین حال که سرشت و ماهیت مادی روندهای اجتماعی و تاریخی را کشف و ثابت کرد، ضمناً قاطعانه عقاید مبتذل مادی گرایانه یک جانبه و سطحی را رد کرده و علیرغم این نوع ماتریالیسم مبتذل یا به اصطلاح ماتریالیسم اقتصادی که منکر نقش اندیشه ها و نهادها و سازمان های اجتماعی در تکامل جامعه است، برعکس بطور علمی و دیالکتیک، بر تاثیر متقابل و عمل فعال این عوامل تکیه نموده استقلال نسبی آنها را نشان داد و عمل متقابل آنها را برحیاط مادی جامعه ثابت کرد.

(۳)

از آنچه گفتیم اهمیت فلسفی ماتریالیسم تاریخی نیز روشن می شود. ماتریالیسم تاریخی شالوده اساسی تئوریک و اسلوب تمام دانش های اجتماعی است. **اسلحه بی جان** تمام مبارزان انقلابی است. راهنمای عمل تمام دانشمندان و پژوهش کنندگانی است که در زمینه های مختلف اجتماعی و تاریخ جامعه مطالعه می کنند. برای یک جهان بینی مجهز به این دانش،

تاریخ دیگر مجموعه ای درهم و آشفته و انبوهی از وقایع بی ارتباط و تصادفی و بدون معنا و بی منطق نیست بلکه روندی است که طبق قوانین عام دیالکتیکی خویش جریان می یابد. مهم آنکه این قوانین را می توان کشف کرد و به طرز عمل آنها پی برد و از این راه در چگونگی رشد جامعه با فعالیت آگاهانه افراد بشر، تاثیر گذاشت. ماتریالیسم تاریخی به ما امکان می دهد که در پدیده های بغرنج اجتماعی، خط اساسی تکامل را بیابیم و بتوانیم این پدیده ها را رهبری کنیم و در آنها تاثیر بجای گذاریم. اهمیت عظیم ماتریالیسم تاریخی در آن است که سلاح علمی احزاب مارکسیستی لنینیستی طبقه کارگر و همه زحمتکشان وسیله شناخت و قوانین عینی تکامل جامعه و درک نقش عوامل ذهنی- آگاهی و تشکل توده هاست.

ماتریالیسم تاریخی نشان می دهد که مقتضیات قوانین اجتماعی- آنچه که قانونمندی های تاریخ جامعه طلب می کند- توسط فعالیت و عمل انسان ها، طبقات، احزاب و شخصیت ها جامعه عمل بخود می پوشد.

ماتریالیسم تاریخی همراه ماتریالیسم دیالکتیک- یعنی مجموع فلسفه مارکسیستی- شالوده و اساس سوسیالیسم علمی است که خود یکی از سه بخش مارکسیسم را تشکیل می دهد. این دانش فلسفی همچنین شالوده و اساس و سیاست استراتژی و تاکتیک حزب طبقه کارگر را تشکیل می دهد. همه اینها نشان می دهد چه اهمیت عظیمی فرا گرفتن این علم برای اعضای حزب، برای همه مبارزان و انقلابیون دارد. ماتریالیسم تاریخی سرچشمه زوال ناپذیر ایمان بی خلل ما به پیروزی توده ها و بنای جامعه سوسیالیستی است زیرا که این علم تبدیل ضروری و اجتناب ناپذیر جامعه سرمایه داری را به جامعه سوسیالیستی ثابت می کند. آموزش اصول این علم در قلوب زحمتکشان ایمان قاطع به پیروزی نهائی را، صرفنظر از فراز و نشیب های راه، و ظفرمندی امر شریف آزادی و برابری و نیک بختی و رهائی از ستم ملی و طبقاتی را همواره فروزان نگاه می دارد. این علم دورنمای تاریخی تابناکی را در جلوی دیدگان ما می گستراند و آینده جامعه و سرنوشت انسان را روشن می کند.

(۴)

برای علاقمندان به پژوهش های عمیق تر یاد آوری می کنیم که خطوط اساسی ماتریالیسم تاریخی توسط مارکس و انگلس در کتاب "ایدئولوژی آلمانی" که در سال ۱۸۴۶ نوشته شده بیان گردیده و سپس در اثر داهیان مارکس "نقدی بر اقتصاد سیاسی" اصول آن تدوین شد و بالاخره در "سرمایه داری مارکس" است که ماتریالیسم تاریخی و اصول و قواعد آن به نحو درخشانی مورد استفاده قرار گرفت. هر مبارز انقلابی و هر پژوهش کننده علم فلسفی ماتریالیسم تاریخی در بسیاری از دیگر آثار مارکس و انگلس و همزمان و شاگردان آنها و در مرحله پس از آن در آثار فنا ناپذیر لنین و بالاخره در مراحل پس از آن در اسناد و مدارک احزاب کمونیست و کارگری می تواند شاهد غنی شدن و ژرفتر شدن این علم باشد و از آنها در نبرد اجتماعی خود و در تحقیق و بررسی جامعه و تاریخ الهام بگیرد.

ماتریالیسم تاریخی به مثابه بخشی مهم و حساس از مارکسیسم لنینیسم برخلاف ادعای برخی از مدعیان نه تنها کهنه نشده و هم چنان سلاح پیکار مبارزه و انقلابیون و وسیله بررسی اجتماع باقی مانده بلکه در آینده نیز هرگز ارزش خود را از دست نخواهد داد و کهنه نخواهد شد. آیا بیان این حکم آن هم در عصر پر تحرک و پویای ما یک ادعای بی پایه و یک دعوی ضد دیالکتیکی و جزمی است؟ نه. زیرا که از یک سو ماتریالیسم تاریخی به مثابه جزئی از دانش فلسفی مارکسیسم لنینیسم یک آئین متحجر نیست بلکه دانشی است در حال تکامل دائم.

این علم مجموعه ای از اندیشه های پراکنده و احکام تجریدی نیست بلکه یک سلاح نیرومند شناخت، یک اسلوب عمل، یک وسیله دگرگونی جهان است. اگر پراتیک، این یا آن نتیجه گیری علمی را تایید نکند علم از آن روی برمی تابد و به کاوش مجدد می پردازد. فراگرفتن

این علم به ما امکان می دهد در شرایط پیچیده و بغرنج، آگاهانه و با کاردانی عمل کنیم. این علمی است که خود را مرتباً به شیوه های نوین پژوهش مجهز می سازد و از واقعیات زندگی و پراتیک اجتماعی نتیجه گیری علمی می کند. از سوی دیگر این علم کهنه شدنی نیست زیرا که احکام اصولی آن و بقول لنین سنگ بنیاد تئوری مارکس تمام ارزش و اهمیت خود را حفظ کرده و قانونمندی هایی که ما در جریان سلسله درس های خود مطالعه خواهیم کرد، همواره تمام و کمال بقوت خود باقی خواهند بود، منتهی مرتباً غنی تر و همه جانبه تر و ژرف تر خواهد شد. زندگی اجتماعی و تجربه تازه مبارزه و پراتیک بشر در جامعه همه موید صحت این اصول هستند. ماتریالیسم تاریخی بمثابه بخشی از تئوری مارکسیسم لنینیسم یک علم خلاق و پیشرونده و دائماً غنی شونده است. برای وفاداری به مارکسیسم لنینیسم باید هم اسلوب آن را بکار بست و هم از تئوری آن دفاع کرد و هم در تکامل هر دوی آنها کوشید. به گفته لنین وظیفه کمونیست ها است که چنانچه نخواهند از زندگی عقب مانند، باید آن را در تمام جهات به پیش ببرند.